

احكام و مسائل رمضان

مؤلف:

عبدالمنعم مصطفى

مترجم:

ابوسعيد

عنوان کتاب:	احکام و مسائل رمضان
مؤلف:	عبدالمنعم مصطفی
مترجم:	ابو سعید
موضوع:	احکام عبادات، (نماز، روزه، زکات و حج)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب..... أ
- مقدمه ۱
- قبل از حلول ماه رمضان ۵
- اثبات ماه رمضان..... ۶
- ماه رمضان چگونه ثابت می‌شود؟..... ۶
- چه کسی حلول ماه رمضان را اثبات می‌کند؟..... ۷
- با اثبات حلول ماه رمضان، روزه‌ی این ماه واجب می‌گردد ۹
- روزه بر چه کسی واجب می‌شود؟ ۱۰
- فضیلت روزه‌ی ماه رمضان ۱۲
- کسی که عمدی و بدون عذر در ماه رمضان روزه نباشد ۲۰
- معنی صیام (روزه)..... ۲۱
- مبطلات روزه..... ۲۱
- ارتداد:..... ۲۱
- خوردن و نوشیدن به صورت عمدی:..... ۲۲
- جماع و هم‌بستری:..... ۲۲

- ۲۳..... استفراغ به صورت عمدی:
- ۲۴..... خارج شدن خون حیض و نفاس:
- ۲۴ **وجوب سپری کردن شب همراه با نیت**
- ۲۵ **سحری و اهمیت آن**
- ۲۶..... وقت سحری.....
- ۲۷..... فجر کاذب:
- ۲۷..... فجر صادق:
- ۲۹ **افطار**
- ۲۹..... زمان افطار.....
- ۳۰..... مستحب بودن عجله در افطار.....
- ۳۲..... مستحب بودن افطار با خرما یا آب
- ۳۲ **اموری که انجام آن برای روزه دار اشکالی ندارد**
- ۳۲..... بوسیدن و معاشرت و همبستر شدن بدون جماع:
- ۳۴..... استعمال سواک و مسواک بدون استعمال و زیاده روی:
- حجامت و خارج نمودن خون فاسد و همینطور اهداء خون و شستن کلیه
 ۳۴..... برای بیماران دیالیزی:
- ۳۵..... استنشاق و مضمضه (آب به بینی و دهان زدن) بدون مبالغه:
- ۳۵..... شستن سر، حمام کردن و شنا:
- ۳۶..... چشیدن غذا بدون بلعیدن:
- ۳۷..... سرمه کشیدن و عطر زدن و همین طور قطره‌ی چشم:
- ۳۷..... سوزن و سرنگ غیر غذایی:
- ۳۷ **موارد رخصت برای روزه نگرفتن**

- ۴۰ و همچنین برای زن در حال حیض:
- ۴۲ و همچنین مرد سالخورده و زن سالخورده:
- ۴۲ قضای روزهی ماه رمضان
- ۴۳ مواردی که روزه‌دار باید از آن دوری کند
- ۴۵ روزه‌دار، روزه را چگونه سپری می‌کند؟
- ۴۷ نماز شب در ماه رمضان
- ۴۸ اعتکاف
- ۵۱ زکات فطر و احکام پیرامون آن
- ۵۳ روزهی شش روز ماه شوال

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ يَإِحْسَانَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

أما بعد:

به سبب گسترش بدعت و نوآوری در دین، به تذکر و یادآوری اصلی از اصول عبادت و شرطی از شروط آن می‌پردازیم که باید در عبادت به صورت کلی در پی طلب روش و سنت پیامبر ﷺ بود و نه در پی اهواء و آراء و مذاهب متفاوت و ناهمگون و مخالف سنت، زیرا بدعت‌گذاری در دین، جایز نیست و هر بدعتی گمراهی و سرانجام هر گمراهی، آتش است.

خداوند ﷻ در لزوم تبعیت از پیامبر ﷺ فرموده:

﴿... فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«پس کسانی که با فرمان او مخالفت می‌کنند؛ باید بترسند از این که فتنه ایشان را فرا گیرد».

امام احمد بن حنبل رحمته الله فرموده است: در قرآن تأمل کردم در سی و سه موضع، اطاعت از رسول خدا ﷺ را یافتم، سپس شروع به تلاوت این آیه می‌کرد: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ﴾ [النور: ۶۳].

آن را بارها تلاوت می‌کرد و می‌گفت: فتنه چیست؟ و جواب می‌داد فتنه یعنی شرک؛ زیرا هنگامی که برخی از سخنان پیامبر ﷺ را نپذیرد در قلبش انحرافی واقع می‌شود که سبب انحراف قلبش از راه حق و سرانجام هلاکتش می‌گردد.

و نیز به ایشان گفته شد: قومی حدیث پیامبر ﷺ را رها ساخته و به نظر و آراء سفیان گرایش دارند. امام فرمود: متعجب و شگفت‌زده‌ام از قومی که حدیث پیامبر ﷺ را شنیده و اسناد و صحت آن را می‌دانند، آن را رها ساخته و به نظر سفیان و دیگران روی می‌آورند! خداوند ﷻ فرموده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ ۖ﴾ [النور: ۶۳]. آیا می‌دانی فتنه چیست؟ فتنه یعنی کفر! خداوند ﷻ فرموده است: ﴿وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۗ﴾ [البقرة: ۲۱۷]. «و فتنه (شرک و شکنجه مؤمنان) از کشتن بزرگ‌تر است».

حدیث پیامبر ﷺ را رها ساخته و هوا و هوس‌شان بر آنان چیره شده است و آنان را به سوی رأی و نظریه پردازی می‌کشاند؟! و نیز خداوند فرموده است:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

«بگو: اگر الله را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد، و گناهان‌تان را برای‌تان ببامرزد، و الله آمرزندهٔ مهربان است».

پس از جمله نشانه‌های صداقت و راستی محبت، پیروی از پیامبر ﷺ است و محبت ایشان به اندازه پیروی از ایشان است.

در حدیث نیز از پیامبر ﷺ ثابت است که فرموده‌اند: «خذوا عني مناسککم»^۱.

«از من راه و روش عبادت کردن‌تان را فرا گیرید».

و فرموده: «صلوا کما رأیتمونی أصلي»^۲.

«نماز بخوانید آنگونه که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم».

و فرموده: «من أحدث فی أمرنا ما لیس فیہ فهورد»^۳.

«هر کس در امر دین، عمل جدیدی بیاورد که در دین نیست، آن عمل غیر مقبول است».

و فرموده: «من صنع أمراً علی غیر أمرنا فهورد»^۳.

«هر کس عملی انجام دهد که مطابق دستور ما نباشد آن عمل باطل است».

بنا بر این، به اذن و یاری خداوند ﷻ تلاش می‌کنیم که تمامی آن‌چه در مورد مسائل و احکام مربوط به رمضان و روزه این ماه ثابت و مقرر است، با تحقیق و بررسی در سنت پیامبر ﷺ و ترجیح آن، بیان کنیم.

* * *

۱- صحیح الجامع: ۷۸۸۴.

۲- صحیح الجامع: ۸۹۳.

۳- صحیح الجامع: ۶۳۶۹.

قبل از حلول ماه رمضان

قبل از ماه رمضان، ماه شعبان قرار دارد که در آن، اعمال بندگان به سوی آسمان بالا می‌رود، و به عنوان آمادگی شخص برای استقبال از ماه رمضان، زیاد روزه گرفتن مقرر شده است، آن‌گونه که در حدیث صحیح، پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

«شعبان بین رجب ورمضان، یغفل الناس عنه، تُرفع فيه أعمال العباد، فأحب أن لا يُرفع عملي إلا وأنا صائم»^۱.

«شعبان بین رجب و رمضان (بعد از رجب و قبل از رمضان) است، مردم از آن در غفلت‌اند و آن را به فراموشی سپرده‌اند، در آن اعمال بندگان بالا برده می‌شود پس دوست دارم که عملم تنها در حالی که روزه هستم بالا برده شود».

و در صحیحین از أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمود:

«ما رأيت رسول الله ﷺ في شهرٍ أكثر صياماً منه في شعبان».

«در هیچ ماهی پیامبر ﷺ را ندیدم که بیشتر از ماه شعبان روزه باشد».

اما پیوند و وصل کردن شعبان به رمضان جایز نیست بنا به فرموده

پیامبر ﷺ:

«لا تقدموا رمضان بصوم يومٍ ولا يومين إلا رجلاً يصوم صوماً فليصمه».

«روزی یا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرید و با روزه گرفتن به قصد احتیاط به استقبال رمضان نروید (به جز شخصی که عادتاً در آن روزها روزه بوده باشد)».

۱- أخرجه النسائي وغيره، السلسلة الصحيحة: ۱۸۹۸.

مثلاً دوشنبه یا پنجشنبه یا طبق عادت پنجشنبه و جمعه روزه بوده باشد و رمضان در شنبه باشد که برای او اشکالی ندارد و می‌تواند روزه بگیرد. و همچنین فرموده پیامبر ﷺ: «من صام يوم الذي يشك فيه فقد عصى أبا القاسم»^۱.

«کسی که یوم الشک (روزی که معلوم نیست شعبان است یا رمضان) روزه باشد از فرمان رسول خدا سرپیچی کرده است».

* * *

اثبات ماه رمضان

ماه رمضان چگونه ثابت می‌شود؟

ماه رمضان با رؤیت هلال این ماه ثابت می‌شود و در صورتی که هلال در بیست و نهم شعبان رؤیت نشد، سی روز شعبان کامل می‌گردد، بنا به فرموده پیامبر ﷺ:

«صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته، فإن غمَّ عليكم فأكملوا عدة شعبان ثلاثين»^۲.

«با رؤیت هلال ماه روزه بگیرید و با رؤیت آن از روزه گرفتن خودداری کنید و اگر ماه (به سبب ابر یا ...) از شما پوشیده ماند، سی روز شعبان را تکمیل کنید».

۱- صحیح سنن الترمذی: ۵۵۳.

۲- متفق علیه.

«لا تصوموا حتی تروا الهلال، ولا تفطروا حتی تروه، فإن أُغْمِي عليكم فاقدروا له»^۱.

«روزه نگیرید تا هلال ماه را مشاهده می‌کنید و افطار نکنید تا هلال را می‌بینید و در صورت پوشیده ماندن هلال و عدم رؤیت، شما اندازه ماه را سی روز بگیرید (و سی روز را تکمیل کنید)».

* * *

چه کسی حلول ماه رمضان را اثبات می‌کند؟

ماه رمضان با رؤیت هلال از جانب شخصی مسلمان و عادل اثبات می‌شود، چنان‌که در حدیث آمده است:

«جاء رجل أعرابي من البادية فأخبر النبي ﷺ بأنه رأى الهلال فأمر ﷺ بلالاً أن يؤذن بالصيام».

«شخصی بادیه‌نشین آمد و به پیامبر ﷺ خبر داد که هلال ماه رمضان را دیده است، پیامبر به بلال دستور داد که مردم را به روزه گرفتن فراخواند». و ابن عمر رضی الله عنهما فرموده است: «مردم برای دیدن هلال به آسمان می‌نگریستند، من به پیامبر ﷺ خبر دادم که هلال را دیده‌ام، پیامبر ﷺ روزه گرفت و به مردم نیز دستور داد که روزه بگیرند»^۲.

با این رؤیت و گواهی از مسلمان عادل (با وجود اختلاف شهرها و دولت‌ها) بر تمام افراد و جوامع که از آن مطلع شده‌اند، روزه ثابت می‌شود و در حال حاضر به شکرانه خداوند ﷻ و به سبب فراوانی رسانه‌ها که توانایی پخش اخبار در سراسر جهان را طی چند ثانیه دارند، این امر سهل و ممکن

۱- متفق علیه.

۲- صحیح سنن أبی داود: ۲۰۵۲.

شده است و در نتیجه دولت‌های معاصر عذری ندارند که هر دولتی بر اساس رؤیت خود روزه بگیرد، این، تفرقه افکنی در دین و برخلاف سنت ثابت رسول خدا ﷺ می‌باشد. متأسفانه در اکثر اوقات در تعیین چنین احکام و اوقات شرعی، آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد پیروی اهواء و خواسته رهبران حکومت‌ها و حکام طاغوت در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد، به طوری که اختلافات سیاسی، حکمرانان را به اختلاف در تعیین شروع و انتهای رمضان و روز عید وادار می‌کند تا با این کار، ملت‌های‌شان نیز دچار اختلاف و تفرقه و کینه‌توزی گردند، در حالی‌که اینان دارای حق اطاعت نیستند، و امت اسلامی نیز نباید در مخالفت با سنت و راه صحیح شرعی (که ماه رمضان با آن ثابت می‌شود) از آنان پیروی کنند، زیرا در معصیت و نافرمانی از خداوند ﷻ، اطاعت از هیچ آفریده‌ای روا نیست.

ای مردم! اگر حکام طاغوت در سرزمین‌تان به شما بگویند: نماز عصر بعد از غروب آفتاب خوانده می‌شود، آیا شما از آنان اطاعت می‌کنید؟! اگر بگوئید: نه، و حتماً جواب باید خیر باشد، می‌گوییم: چگونه در تقدیم و تأخیر روزه ماه رمضان از آنان اطاعت می‌کنید، حال آن‌که طبق شرع ثابت از پیامبر ﷺ، بر ثابت شدن روزه اطلاع پیدا کرده‌اید!!

اگر گفته شود: از معاویه رضی الله عنه ثابت است که در شام بود و روز جمعه از ماه رمضان روزه بوده، در حالی‌که ابن عباس رضی الله عنهما و اهل مدینه روز شنبه را روزه گرفتند، پس برای هر کدام رؤیت مخصوص لحاظ شده است؟ در جواب می‌گوییم: این در حالتی است که به علت گستردگی شهرها و کشورها، اطلاع رسانی ممکن نباشد. اهل شام روز جمعه هلال را دیده‌اند اما به دلیل مسافت طولانی بین شام و مکه و کمبود وسائل اطلاع‌رسانی، توانایی خبر رسانی به اهل مدینه را نداشته‌اند، اما در عصر حاضر این مشکل برطرف شده است و به سادگی در ظرف چند ثانیه با وسائل مختلف

می‌توان مشاهده هلال ماه را اعلام نمود، در نتیجه استدلال به اثر معاویه و ابن عباس رضی الله عنهما تنها در صورتی جایز و صحیح است که اطلاع رسانی رؤیت ماه در همان وقت که ماه در آن مشاهده شده است، ممکن نباشد. والله اعلم.

* * *

با اثبات حلول ماه رمضان، روزی این ماه واجب می‌گردد

به دلیل فرموده خداوند تعالی:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۗ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

«(آن چند روز محدود و اندک) ماه رمضان است (ماهی) که قرآن در آن نازل شده است، (کتابی) که راهنمای مردم است، و (در بردارنده) نشانه‌ها و دلایل آشکار و روشن از هدایت و جدا کننده حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را (در حضر) دریابد، باید که آن را روزه بدارد».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسی که پیش از شما بودند؛ فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید».

روزه، یکی از ارکان پنجگانه اسلام می‌باشد، چنان که در حدیث متفق علیه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بُني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصوم رمضان».

«اسلام بر پنج چیز بنا شده است: ۱- گواهی بر این که هیچ معبود بر حقی نیست جز الله و محمد فرستاده خداست ۲- برپاداشتن نماز ۳- ادانمودن زکات ۴- حج کعبه ۵- روزه ماه رمضان».

* * *

روزه بر چه کسی واجب می شود؟

روزه بر مسلمان عاقل بالغ توانا بر انجام آن، واجب می شود. بر مسلمان واجب می شود زیرا از کافر هیچ عملی پذیرفته نمی شود و شرک باعث نابودی تمام اعمال می باشد زیرا خداوند فرموده:

﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸].

«و اگر شرک می ورزیدند؛ هر آینه آن چه را که انجام داده بودند از (اعمال نیک) آن ها نابود می شد».

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۴].

«و به راستی که به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک آوری، یقیناً اعمالت (تباه و) نابود می شود، و از زیان کاران خواهی بود».

و بر عاقل واجب می شود، زیرا از دیوانه تکلیف برداشته شده است، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ:

«رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: - مِنْهَا - وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقَلَ أَوْ يَفِيقَ»^۱.

«از سه گروه تکلیف برداشته شده است از جمله: دیوانه تا زمانی که عاقل شود».

و بر بالغ، روزه واجب می‌شود، زیرا از بچه (پسر یا دختر) تکلیف برداشته شده است، تا زمان رسیدن به سن بلوغ، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ:

«رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ - مِنْهَا - وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ»^۱.

«از سه گروه تکلیف برداشته شده است از جمله: بچه تا زمان رسیدن به سن بلوغ».

و بر توانا واجب می‌گردد، زیرا به اتفاق علما، ناتوان تکلیفی ندارد، زیرا خداوند ﷻ فرموده:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [البقرة: ۲۸۶].

«خداوند بر هیچ کس جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی‌کند».

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا﴾ [الطلاق: ۷].

«خداوند بر هیچ کس جز (به قدر) آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند».

و در حدیث صحیح، پیامبر ﷺ فرموده: «وما أمرتکم به فأتوا منه ما استطعتم».

«آن چه را به شما فرمان داده‌ام، به اندازه توانایی انجام دهید» [متفق علیه].

و عجز و ناتوانی دو دسته است: یکی ناتوانی دائمی مانند: بیماری دائمی که به طور کلی مانع روزه گرفتن می‌شود و مانند آن است پیر مردی که قادر به روزه گرفتن نیست. این افراد به ازای هر روز باید به یک مسکین،

طعام دهند، به دلیل فرموده خداوند ﷻ: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ﴾ [البقرة: ۱۸۴].

«و بر کسانی که توانائی انجام آن را ندارند، لازم است کفاره بدهند».

ابن عباس رضی الله عنهما در مورد این آیه می گوید: «این آیه منسوخ نیست؛ منظور آن پیرمرد و پیرزنی است که نمی توانند روزه بگیرند، پس باید به ازای هر روز، مسکینی را طعام دهند» [امام بخاری].

نوع دیگری از عجز و ناتوانی، مؤقتی است، که با از بین رفتن سبب آن، از بین می رود مانند: بیماری مؤقت قابل علاج و درمان، که چنین فردی باید قضای روزه را بگیرد، به دلیل فرموده خداوند ﷻ:

﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ [البقرة: ۱۸۴].

«و کسانی که از شما بیمار یا مسافر باشند (اگر افطار کردند و روزه نگرفتند، به اندازه آن روزها) چند روز دیگری را روزه می دارند».

فضیلت روزهی ماه رمضان

ماه رمضان، ماه بزرگ و با عظمتی است، در این ماه قرآن نازل گردیده است:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

«(آن چند روز محدود و اندک) ماه رمضان است (ماهی) که قرآن در آن نازل شده است، (کتابی) که راهنمای مردم است، و (در بردارنده) نشانه‌ها و

دلایل آشکار و روشن از هدایت و جدا کننده حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را (در حضر) دریابد، باید که آن را روزه بدارد».

خداوند قرآن را در شبی از شبهای رمضان نازل نمود که خیر و برکت آن از هزار ماه بیشتر است، همان گونه که خداوند ﷺ می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿۳﴾﴾ [القدر: ۱-۳].

«ما (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم و تو چه می دانی شب قدر کدام است (و چه اندازه عظیم است؟) شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است».

یعنی عبادت در آن - اگر مورد قبول واقع شود - از عبادت ۸۳ سال و ۳ ماه برتر است.

ابن کثیر رحمته در تفسیر آن می فرماید: «مجاهد می گوید: شب قدر از هزار ماه که شب قدر در آنها نباشد، برتر است، قتاده بن دعامة، شافعی و دیگران نیز بر این رأی هستند».

منظور از نزول قرآن در این جا، نزول یکباره به آسمان دنیا در شب قدر است، تا بعداً به صورت تدریجی در مدت زمان نبوت بر اساس رویدادها و مراحل که پیش روی دعوت بود، بر پیامبر ﷺ نازل گردد.

ابن کثیر رحمته در تفسیرش آورده است: «و اما قرآن یکباره به «بیت العزة» از آسمان دنیا نازل شده، و این اتفاق در شب قدر از ماه رمضان روی داده است، همان گونه که خداوند ﷺ می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾﴾ [القدر: ۱]. و پس از آن به صورت تدریجی و بر اساس حوادث بر پیامبر ﷺ نازل گردیده است».

ابن عباس رضی الله عنهما فرموده است: «قرآن در شب قدر از ماه رمضان، در شبی مبارک نازل گردیده، سپس به صورت منظم و هماهنگ در طول ماهها و ایام

نازل شده است». و عکرمه رضی الله عنه از ابن عباس رضی الله عنهما چنین روایت می‌کند: «قرآن در شب قدر از ماه رمضان، یک‌باره به آسمان دنیا نازل شد و خداوند برای پیامبرش آن‌چه بخواهد ایجاد می‌کند، و مشرکین با هر سخنی که به دشمنی می‌پرداختند، خداوند جل جلاله جواب آنان را نازل می‌نمود».

شب قدر بنا بر فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله در شب‌های فرد ده آخر رمضان طلب می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوَيْثْرِ، مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ رَمَضَانَ».

«شب قدر را در شب‌های فرد از دهه آخر رمضان جستجو کنید» [صحیح بخاری].

همچنین در حدیث صحیح آمده است: تعدادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب، شب قدر را در ۷ شب آخر رمضان دیدند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَّاتُ فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ، فَمَنْ كَانَ مُتَحَرِّبَهَا فَلْيَتَحَرَّهَا فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ».

«می‌بینم که خواب‌های تان در دیدن شب قدر در هفت شب آخر رمضان یک‌سان است، پس هرکس در صدد یافتن شب قدر است آن را در هفت شب آخر رمضان جستجو کند». [بخاری و مسلم]

و به علت اختلاف مردم در افق و دیدن ماه؛ بگونه‌ای که بعضی یک روز زودتر و برخی یک روز دیرتر روزه می‌گیرند، شایسته است - برای اطمینان از درک شب قدر - آن را در ده شب آخر رمضان جستجو کنیم، چه شب‌های فرد و چه شب‌های زوج. والله أعلم.

و در فضیلت برپا داشتن این شب، پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث صحیح فرموده است:

«مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^۱.

«هر کس شب قدر را به خاطر ایمان به خدا و امید به ثواب و اجر الهی برپا دارد، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود».

زمان پر برکتی است که وقتش کم و خیرش فراوان است، زود تمام می‌شود، پس خوشا به حال کسی که آن را مغتنم بشمارد و از آن استفاده کند.

در این ماه دروازه‌های بهشت گشوده و درهای جهنم بسته می‌شود، و شیاطین به بند و زنجیر کشیده می‌شوند، چنان‌که در حدیث، پیامبر ﷺ فرموده است:

«إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ، فَتُحَّتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فَتُّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ»^۲.

«با فرا رسیدن ماه رمضان، درهای بهشت گشوده و درهای آتش بسته می‌شود و شیاطین به زنجیر کشیده می‌شوند».

همچنین می‌فرماید: «إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ، وَمَرَدَةُ الْجِنِّ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ، وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ، وَيُنَادِي مُنَادٍ: يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، وَلِلَّهِ عُتَقَاءُ مِنَ النَّارِ، وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ»^۳.

۱- رواه بخاری

۲- صحیح بخاری و صحیح مسلم، (صحیح الجامع: ۴۷۰).

۳- صحیح سنن الترمذی: ۵۴۹.

«با فرارسیدن شب اول از رمضان، شیاطین و جن‌های سرکش به زنجیر کشیده می‌شوند و تمامی درهای جهنم بسته می‌شود، به طوری که دری باز باقی نمی‌ماند و تمامی درهای بهشت گشوده می‌شود، به طوری که دری بسته نخواهد بود، و کسی ندا می‌دهد: ای خواهان خیر و ثواب! به سوی خدا و عبادت روی آور، و ای خواهان شر و بدی و فساد! دست بردار، و در این ماه خدا آزاد شدگانی از آتش دارد و این ندا و آزاد شدن در تمامی شب‌های ماه رمضان است».

و می‌فرماید: «أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُّبَارَكٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، فَتُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَحِيمِ، وَتُغْلَقُ فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ، لِلَّهِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ»^۱.

«ماه مبارک رمضان نزد شما آمد، خداوند روزه این ماه را بر شما واجب کرد، در این ماه درهای آسمان گشوده می‌شود و درهای جهنم بسته می‌شود و شیاطین سرکش زنجیر می‌شوند، در این ماه خداوند شبی دارد که از هزار ماه، خیر و برکتش بیشتر است هر کس از خیر این شب محروم ماند به حقیقت محروم شده است».

و می‌فرماید: «إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَتُحْتَّ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ، وَسُلِّسَتِ الشَّيَاطِينُ»^۲.

«با آمدن ماه رمضان، درهای آسمان گشوده و درهای جهنم بسته می‌شود و شیاطین به زنجیر کشیده می‌شوند».

۱- صحیح سنن النسائی: ۱۹۹۲.

۲- صحیح سنن النسائی: ۱۹۹۱.

در این ماه گناهان بخشیده می‌شود چنان‌که در حدیث صحیح، پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^۱. «هر کس رمضان را با ایمان، و به نیت اجر و پاداش قیامت روزه بگیرد، گناهان گذشته او بخشیده خواهد شد».

و می‌فرماید: «وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكْفَرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتُنِبَتْ الْكَبَائِرُ»^۲.

«رمضان تا رمضان سبب کفاره گناهان بین آن دو است به شرطی که از گناهان کبیره خودداری شود».

و می‌فرماید: «إِنَّ جَبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَضَ لِي فَقَالَ: بُعْدًا لِمَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ، فَقُلْتُ: آمِينَ»^۳.

«جبرئیل علیہ السلام نزد من آمد و گفت: دور باد کسی که ماه رمضان را سپری کند و گناهانش بخشیده نشود، و من هم گفتم: آمین».

در فضیلت روزه به طور عموم احادیث زیادی روایت شده است از جمله: فرموده پیامبر ﷺ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ حَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۴.

«هر کس روزی در راه خدا روزه باشد، خداوند بین او و آتش، خندقی به فاصله آسمان و زمین قرار می‌دهد».

۱- متفق علیه.

۲- صحیح مسلم، صحیح الجامع: ۳۸۷۵.

۳- صحیح الترغیب والترهیب: ۱۶۷۹.

۴- صحیح سنن الترمذی: ۱۳۲۵.

و فرموده پیامبر ﷺ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ زَحَرَ حَهُ اللَّهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا»^۱.

«هر کس، روزی در راه خدا روزه باشد، خداوند او را هفتاد سال از آتش دور می‌گرداند».

و از ابو امامه رضی الله عنه روایت است که: «به پیامبر خدا ﷺ گفتم: ای رسول خدا، مرا به عملی ارشاد کن که با انجام آن به بهشت وارد شوم. پیامبر ﷺ فرمود: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَا مِثْلَ لَهُ». و فی روایة: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَا عِدْلَ لَهُ»^۲. «روزه بگیر، زیرا هیچ چیز مثل و مانند روزه نیست». و در روایتی دیگر «روزه بگیر که هیچ چیز با آن برابری ندارد».

و فرموده پیامبر ﷺ: «كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ، الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ، يَقُولُ اللَّهُ: إِلَّا الصَّوْمَ؛ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي، لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ، وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ».

«هر کردار نیکوی انسان ده تا هفتصد برابر ثواب و پاداش دارد، خداوند متعال فرموده است: جز روزه، چون روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم، شهوت و طعامش را به خاطر من رها می‌سازد و برای فرد روزه دار دو شادمانی هست: شادمانی در هنگام افطارش و شادمانی در هنگام ملاقات پروردگارش، به خدا سوگند بوی دهان روزه‌دار در نزد خداوند خوشبوتر از بوی مشک است».

۱- صحیح سنن الترمذی: ۱۳۲۳.

۲- صحیح سنن النسائی: ۲۰۹۹.

و فرموده پیامبر ﷺ: «الصَّيَّامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَقُولُ الصَّيَّامُ: أَيُّ رَبِّ، مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ، فَشَفَعَنِي فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ، فَشَفَعَنِي فِيهِ»، قَالَ: «فَيُشَفَّعَانِ»^۱.

«روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده شفاعت می‌کنند، روزه می‌گوید: پروردگارا .. او را از خوراک و شهوت باز داشتیم، پس شفاعت مرا درباره او بپذیر و قرآن می‌گوید: او را از خواب شبانه باز داشتیم، پس شفاعتم را درباره او بپذیر، پیامبر ﷺ فرمود: شفاعت آنان پذیرفته خواهد شد».

همچنین فرموده پیامبر ﷺ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرِّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ فِيهِ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَدْخُلْ فِيهِ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ، مَنْ دَخَلَ فِيهِ شَرِبَ وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا»^۲.

«در بهشت دروازه هست که به آن «ریان» گفته می‌شود، در روز قیامت تنها روزه‌داران از آن در وارد بهشت می‌شوند، از آن در، هیچ کس دیگری جز روزه‌داران وارد نمی‌شود، آخرین نفر از روزه‌داران که وارد بهشت شد، آن در نیز بسته خواهد شد و هر کس از آن در وارد شود، می‌نوشد و هر کس بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد».

* * *

۱- مسند احمد، مستدرک حاکم، و شعب الإیمان بیهقی. آلبانی می‌گوید: حسن و صحیح است.

۲- بخاری، مسلم و نسایی با الفاظ مختلف. نکا: صحیح الترغیب: ۹۷۹.

کسی که عمدی و بدون عذر در ماه رمضان روزه نباشد

هر کس در ماه رمضان، عمدی و بدون عذر شرعی معتبر، روزه نباشد مرتکب گناه کبیره بزرگی شده است که مستحق عذاب شدیدی در روز قیامت است، چنان که در حدیث آمده که ابو امامة باهلی رضی الله عنه گفته: «از پیامبرص شنیدم که فرمود: در حالی که خوابیده بودم دو نفر نزد من آمدند و دو بازوی مرا گرفته و مرا به پای کوهی صعب العبور بردند و گفتند: بالا برو، گفتم: توان بالا رفتن از این کوه را ندارم. گفتند: آن را برایت سهل و آسان می‌کنیم، از کوه بالا رفتم تا به بالای آن رسیدم، ناگهان سر و صداهای بلندی شنیدم، گفتم: این سر و صداها چیست؟ گفتند: این عوعو و زوزه جهنمیان است، سپس مرا بردند، ناگهان به گروهی رسیدم که از پاهای شان آویزان شده‌اند، لب‌های شان گشاده شده است و از آن خون می‌ریزد گفتم: اینان چه کسانی هستند؟ گفتند: کسانی که قبل از زمان افطار، افطار می‌کنند!!».

این عذاب شدید برای کسانی است که قبل از وقت افطار، افطار می‌کنند، پس حال کسانی که در روزه رمضان عمداً افطار می‌کنند، یا اصلاً روزه نمی‌گیرند چگونه خواهد بود!!

حال اگر گفته شود: آیا برای کسی که عمداً در رمضان روزه نگیرد، قضاء یا کفاره وجود دارد؟

در جواب می‌گوییم: بعضی از اهل علم کفاره روزه خوار متعمد را بر کفاره کسی که با همسرش در روز رمضان جماع کند، قیاس کرده‌اند، و این اشتباه است، زیرا علت افطار در این دو حالت باهم متفاوت است، و همچنین نصی مبنی بر الزام روزه خوار متعمد به کفاره یا قضاء وجود ندارد. و قول راجح این است که بر کسی که عمداً روزه نگیرد، نه کفاره واجب است و نه قضاء، و

اگر تمامی روزگار را روزه بگیرد، برابر یک روزهٔ رمضان نیست، بلکه بر او واجب است که توبه نصح کند و همچنین مستحب است که زیاد روزهٔ سنت بگیرد و همچنین در راه‌های خیر، فراوان صدقه دهد. واللہ أعلم.

* * *

معنی صیام (روزه)

بعد از بیان حکم روزه و فضیلت ماه رمضان و سزای کسی که عمداً روزه نباشد، به اذن و توفیق خداوند عزوجل، به بیان احکام و مسائل مربوط به روزه به صورت تفصیلی می‌پردازیم.

روزه (صوم) در لغت یعنی امساک و خودداری، و در شرع یعنی خودداری از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند از طلوع فجر صادق تا غروب آفتاب، همراه با نیت و قصد روزه.

* * *

مبطلات روزه

ارتداد:

اگر مسلمان روزه‌داری به وسیلهٔ قول، فعل یا اعتقادی، مرتد شود، روزه‌اش باطل می‌شود، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸].

«و اگر آنان شرک ورزیده بودند، قطعاً آنچه انجام می‌دادند از دست‌شان می‌رفت و باطل می‌شد».

همچنین اگر فردی تارک نماز باشد، روزه‌اش قبول نیست.

خوردن و نوشیدن به صورت عمدی:

هرکس عمداً خوراکی و یا نوشیدنی یا ... را داخل شکمش کند، روزه‌اش باطل شده است، و همین‌طور اگر آمپول و سرنگ غذایی مصرف کند، حکم آن مانند حکم خوراک و آشامیدنی است.

اما کسی که ناخواسته و از روی فراموشی چیزی بخورد یا بنوشد، روزه‌اش باطل نشده و باید روزه‌اش را تکمیل کند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده است:

«رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأُ، وَالنَّسِيَانَ، وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ»^۱.

«خداوند از خطا، فراموشی و اکراه امتم در گذشته است.»

«إِذَا نَسِيَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ فَلَيْتَمَّ صَوْمَهُ؛ فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ.»

«هرگاه روزه‌دار از روی فراموشی، خورد و نوشید، روزه‌اش را تکمیل کند زیرا خداوند او را خورانده و نوشانده است» [متفق علیه].

جماع و هم‌بستری:

علما اتفاق نظر دارند که هرکس با همسرش در روزهای ماه رمضان همبستر شود، روزه‌اش باطل می‌شود و کفاره آن آزاد کردن یک برده است، اگر نتوانست باید دو ماه پشت سر هم روزه باشد، و اگر نتوانست باید شصت مسکین را طعام بدهد، چنان‌که ابوهیرة روایت کرده است:

«بينما نحن جلوس عند النبي ﷺ إذا جاء رجل، فقال: يا رسول الله هلكت،

قال: ما لك؟ قال: وقعت على امرأتي وأنا صائم. فقال رسول الله ﷺ: هل تجد

رقبة تعتقها؟ قال: لا، قال: فهل تستطيع أن تصوم شهرين متتابعين؟ قال: لا،

قال: هل تجدُ إطعامَ ستين مسكيناً؟ قال: لا. قال: فمكث النبي ﷺ فبينما نحن على ذلك أتى النبي ﷺ بعرقٍ فيها تمر -والعرقُ: المكتل- قال: أين السائل؟ فقال: أنا. قال: خذ هذا فتصدق به. فقال الرجل: على أفقر مني يا رسول الله؟ فوالله ما بين لابتيها -يريد الحرتين- أهل بيتٍ أفقر من أهل بيتي. فضحك النبي ﷺ حتى بدت نواجذه ثم قال: أطعمه أهلك». وفي رواية: «وصم يوماً مكانه» [متفق عليه].

«نزد پیامبر ﷺ نشسته بودیم که مردی آمد و گفت: ای رسول خدا هلاک و نابود شدم. پیامبر ﷺ فرمود: تو را چه شده است؟ گفت: با زخم همبستر شده‌ام در حالی که روزه بوده‌ام. پیامبر ﷺ فرمود: آیا می‌توانی برده‌ای را آزاد کنی؟ گفت: نه، پیامبر ﷺ فرمود: می‌توانی دو ماه پشت سر هم روزه بگیری؟ گفت: نه، فرمود: می‌توانی شصت مسکین را غذا بدهی؟ گفت: نه، پیامبر ﷺ چند لحظه مکث نمود، در همین حال بودیم که زنبیلی از خرما نزد پیامبر آورده شد، پیامبر ﷺ فرمود: سؤال کننده کجاست؟ آن مرد گفت: منم، فرمود: این را بگیر و صدقه بده، گفت: بر فقیرتر از خودم صدقه کنم؟ ای رسول خدا! به خدا سوگند در مدینه خانواده‌ای فقیرتر از خانواده من نیست. پیامبر ﷺ خندید چنان که دندان‌های عقلش نمایان شد، سپس فرمود: آن را به خانواده‌ات بده» و در روایتی دیگر «و یک روز به جای آن روزه بگیر».

استفراغ به صورت عمدی:

هر کس عمداً قی کند، روزه‌اش باطل می‌شود و باید روزی به جای آن روزه باشد، اما اگر کسی بی اختیار استفراغ نمود، اشکالی ندارد، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ:

«من ذرعه قیء وهو صائم فلیس علیه قضاء، وإن استقاء فلیقض»^۱.
 «هرکس در حال روزه، بی اختیار استفراغ از دهانش بیرون آمد، لازم نیست روزه اش را قضا کند و کسی که عمداً استفراغ نمود، باید روزه اش را قضا کند».

خارج شدن خون حیض و نفاس:

همین طور اگر در روز ماه رمضان خون حیض، زن روزه دار را غافلگیر کند، روزه اش باطل شده و باید روزه اش را باز کرده و بعداً آن را قضا کند، چنان که در حدیث آمده که عایشه رضی الله عنها فرموده است: «ما به عادت ماهانه مبتلا می شدیم، ما مأمور به قضای روزه بودیم ولی به قضای نماز امر نشده ایم».

* * *

وجوب سپری کردن شب همراه با نیت

برای روزه فرض رمضان، واجب است که فرد قبل از فجر، نیت روزه داشته باشد، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله:

«من لم یُبیت الصیام من اللیل فلا صیام له»^۲.

«کسی که شب نیت روزه نداشته باشد، برای او روزه محسوب نمی شود».

و فرموده ایشان صلی الله علیه و آله: «من لم یُجمع الصیام قبل الفجر فلا صیام له»^۳.

۱- صحیح سنن أبی داود: ۲۰۸۴.

۲- صحیح سنن النسائی: ۲۱۹۹.

۳- صحیح سنن النسائی: ۲۱۹۶.

«هر کس قبل از فجر ارادهٔ روزه گرفتن نداشته باشد، برای او روزه محسوب نمی‌شود».

و در مورد نیت، تلفظ آن لازم نیست و انعقاد آن در قلب کافی است. بر خلاف روزهٔ سنت که نیت در خلال روز نیز جایز است، پیامبر ﷺ به میان خانواده‌اش می‌آمد و می‌فرمود: «آیا نهار دارید می‌گفتند: نه، می‌فرمود: پس من روزه هستم».

* * *

سحری و اهمیت آن

خوردن و آشامیدن سحری، سنت است و به آن تأکید شده است. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هلموا إلى الغداء المبارك»^۱. «به سوی غذایی دارای خیر و برکت (سحری) بشتابید».

و می‌فرماید: «تسحروا فإن السحور بركة»^۲. «سحرگاه، غذا بخورید چرا که در سحری خیر و برکت است».

و می‌فرماید: «إن الله وملائكته يصلون على المتسحرين»^۳. «همانا خداوند و فرشتگانش بر سحری‌کنندگان صلوات (آمرزش از جانب خدا و دعای خیر از جانب ملائکه) می‌فرستند».

و می‌فرماید: «تسحروا ولو بجرعة ماء». «سحری بخورید اگرچه جرعهٔ آب هم باشد».

۱- صحیح سنن النسائی: ۲۰۴۳.

۲- متفق علیه

۳- صحیح الجامع: ۳۶۸۳.

و می فرماید: «السحور أكلة بركة فلا تدعوه ولو أن يجرع أحدكم جرعة ماء».

«سحری خوردنی با برکتی است، آن را رها نسازید، حتی اگر جرعه آب نوشیده باشید».

همچنین سحری روزه مسلمانان را از روزه اهل کتاب متمایز می سازد، چنان که پیامبر ﷺ فرموده:

«فصل ما بين صيامنا وصيام أهل الكتاب أكلة السحر».

«جداکننده روزه ما با روزه اهل کتاب سحری است».

لازم است که مسلمانان به خاطر مخالفت با اهل کتاب بر انجام این عمل حریص باشند.

* * *

وقت سحری

مستحب است که سحری تا کمی قبل از ظهور فجر صادق به تأخیر انداخته شود، به دلیل فرموده خداوند ﷻ:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار شود، سپس روزه را تا (فرا رسیدن) شب به اتمام رسانید».

زید بن ثابت رضی الله عنه فرموده است: «همراه پیامبر ﷺ سحری می خوردیم، سپس پیامبر ﷺ برای نماز بلند شد، انس گفت: بین اذان و سحری چقدر فاصله بود؟ فرمود: به اندازه تلاوت پنجاه آیه».

نکته قابل توجه این است که فجر دو نوع است:

فجر کاذب:

با ظهور آن نماز صبح خوانده نمی‌شود و خوردن سحری حرام نمی‌شود و به صورت سپیدی در آسمان منتشر است، ابتدا به سمت بالا و سپس به سمت پایین می‌آید.

فجر صادق:

با ظهور آن نماز صبح جایز و خوردن و همبستری حرام می‌شود و به صورت قرمزی که تمامی سطح افق را قبل از طلوع آفتاب در جهت شرقی در بر می‌گیرد، نمایان می‌شود. پیامبر ﷺ فرمود:

«كلوا واشربوا، ولا يهيدنكم -أي لا يزعجنكم فيمنعنكم- الساطع المصعد، فكلوا واشربوا حتى يعترض لكم الأحمر»^۱.

«بخورید و بیاشامید، نوری که به صورت عمودی در آسمان منتشر و به سمت بالا می‌رود، شما را از خوردن باز ندارد، بخورید و بیاشامید تا نور قرمز پدیدار شود».

و فرمود: «لا یغرنکم أذان بلال، ولا هذا البیاض لعمود الصبح حتی یستطیر».

«اذان بلال و سپیدی که عمودی منتشر می‌شود شما را باز ندارد، مگر به صورت افقی منتشر شود» [مسلم].

اگر دچار تردید شدی و توانایی تشخیص فجر صادق از کاذب را نداشتی، می‌توانی تا رسیدن به یقین در فجر صادق، بخوری. ابن عباس رضی الله عنهما فرموده است: «هنگامی که شک کردی، خداوند خوردن و نوشیدن را برای تو حلال گردانیده است».

۱- أخرجه أبو داود، والترمذی، وغيرهما، السلسلة الصحيحة: ۲۰۳۱.

همچنین اگر اذان صبح را شنیدی و لقمه در دهان یا کاسه آب، در دست داشتی به آرامی لقمه را قورت بده و آب را بنوش، برخلاف گفته بعضی افراد جاهل که می‌گویند: در این حال باید لقمه را از دهانش تف کند!! پیامبر ﷺ فرموده:

«إِذَا سَمِعَ أَحَدُكُمْ النِّدَاءَ وَالْإِنَاءَ فِي يَدِهِ فَلَا يَضَعُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ مِنْهُ»^۱.

«هرگاه یکی از شما اذان را شنید در حالی که ظرفی در دست داشت، آن را زمین نگذارد تا نیازش را برآورده می‌کند».

و ابوامامة رضی الله عنه فرموده است: «برای نماز اذان داده شد و کاسه‌ای در دست امام عمر بود، گفت: ای رسول خدا بنوشم؟ پیامبر فرمود: بله، و نوشید». از این روایت، باطل بودن تعیین وقت برای امساک، (چنان که در کشورهای مختلف رایج است، به شیوه‌ای که مردم را بیست دقیقه قبل از اذان دوم و شاید بیشتر به ادعای احتیاط وادار به امساک می‌کنند) فهمیده می‌شود، تازه این وقت ممنوع شده، همان وقت مبارک و مناسب برای سحری است که در احادیث به آن اشاره شد.

امام بخاری رضی الله عنه از أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده که بلال رضی الله عنه شب هنگام، اذان اول را می‌داد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُوْذَنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ؛ فَإِنَّهُ لَا يُوْذَنُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ». «بخورید و بیاشامید تا ابن ام مکتوم اذان می‌دهد، زیرا او در هنگام طلوع فجر اذان می‌دهد». قاسم ابن محمد گفته: «فاصله بین اذان آن دو، تنها به اندازه پایین آمدن بلال و بالا رفتن ابن ام مکتوم بود».

۱- رواه أبو داود، صحيح الجامع: ۶۰۷.

با وجود این فاصله خیلی کم میان اذان بلال و ابن ام مکتوم، پیامبر ﷺ به مسلمانان امر کرده که هنگام اذان بلال بخورند و بنوشند، اذان او شب هنگام محسوب می‌شد!!

و نیز چنین برداشت می‌شود که تعیین وقت شرعی برای امساک و اذان دادن، طلوع فجر صادق است نه اوقاتی که بر طبق ستاره‌شناسی یک‌سال قبل از حلول ماه رمضان و به وسیله افرادی که دین و عدالت‌شان ناشناخته است - تعیین می‌شود، و مردم را بیست دقیقه یا بیشتر قبل از طلوع فجر صادق وادار به امساک، اذان و اقامه می‌کند!!

در اذان اول، بیست دقیقه مسلمانان را با ادعای احتیاط، از خوردن و نوشیدن محروم می‌کنند، و در اذان دوم، بیست دقیقه قبل از فجر صادق و زمان شرعی و دقیق، اذان می‌دهند. پس مجموع زمانی که مسلمانان را از خوردن و نوشیدن محروم می‌کنند، چهل دقیقه قبل از طلوع فجر صادق است!!

* * *

افطار

زمان افطار

زمان شرعی برای افطار، غروب قرص خورشید است، و هرگاه خورشید غروب کرد، روزه‌دار افطار می‌کند، بنا به فرموده پیامبر ﷺ:

«إذا أقبل الليل من هاهنا وأدبر من هاهنا، وغربت الشمس فقد أفطر الصائم».

«هرگاه شب از طرف مشرق روی آورد و روز از طرف مغرب سپری شد و خورشید غروب کرد، روزه‌دار افطار می‌کند». [متفق علیه]

«پیامبر ﷺ هنگامی که روزه بود، به فردی دستور داد که به بالای بلندی برود و هرگاه خبر می‌داد خورشید غروب کرده است، پیامبر ﷺ افطار می‌نمود».

تعیین وقت شرعی برای وقت افطار، اینچنین است نه تعیین وقت فلکی که در اکثر اوقات اشتباه است. با این وجود مسلمانان زیادی تعیین اوقات فلکی را بر تعیین اوقات شرعی ترجیح می‌دهند، با وجود این که می‌دانند تعیین اوقات فلکی اشتباه می‌کند و غالباً ده دقیقه بعد از غروب خورشید می‌باشد!!

اما اگر به علت بلندی ساختمان‌ها در سرزمین مسلمانان که مانع رؤیت غروب خورشید می‌شود یا سایر اسباب دیگر، فردی نتوانست به تنهایی یا به کمک دیگران، غروب خورشید را تشخیص دهد، می‌تواند به تعیین اوقات فلکی اعتماد کند، امیدوارم در این حالت گناهی بر او نباشد، إن شاء الله.

مستحب بودن عجله در افطار

عجله در افطار سنت است، بنا بر فرمودهٔ پیامبر ﷺ:

«لا تزال أمتي بخير ما عجلوا الفطور»^۱.

«امتم تا زمانی که در افطار عجله می‌کنند بر خیر هستند» [متفق علیه].
و همچنین پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«لا يزال الدين ظاهراً ما عجل الناس الفطر؛ لأن اليهود والنصارى يؤخرون»^۲.

۱- صحیح الجامع: ۷۲۸۴.

۲- رواه أبو داود، صحیح الجامع: ۷۶۸۹.

«این دین تا زمانی که مردم در افطار عجله می‌کنند غالب و چیره است، زیرا یهود و نصاری افطار را به تأخیر می‌اندازند».

و می‌فرماید: «قال الله عز وجل إن أحب عبادي إلي أعجلهم فطراً»^۱.
«دوست داشتنی‌ترین بندگان نزد من، کسانی هستند که در افطار عجله بیشتری می‌کنند».

البته، عجله در این‌جا نباید به معنای تعجیل افطار قبل از غروب کامل قرص خورشید، فهمیده شود.

و می‌فرماید: «ثلاثٌ من أخلاق النبوة: تعجيل الإفطار، وتأخير السحور، ووضع اليمين على الشمال في الصلاة»^۲.

«سه چیز از اخلاق نبوت است؛ تعجیل در افطار، تأخیر در سحری، و قرار دادن دست راست بر روی دست چپ در نماز».

و می‌فرماید: «لا تزال أمتي على سنتي ما لم تنتظر بفطرها النجوم»^۳.
«امت من تا زمانی که در افطار منتظر ظهور ستارگان در آسمان نمی‌شوند، بر سنت من هستند». (چنان که شیعیان رافضی این‌گونه هستند و افطار را (به پیروی از یهود و نصاری و به مخالفت با اهل سنت و جماعت) تا بعد از غروب خورشید، هنگامی که ستارگان در وسط آسمان پدیدار می‌شوند به تأخیر می‌اندازند)!!

* * *

۱- روا أحمد، وقال الشيخ شاكر في التخریج 16 / 154: إسناد صحیح.

۲- صحیح الجامع: ۳۰۳۸.

۳- صحیح الترغیب: ۱۰۷۴.

مستحب بودن افطار با خرما یا آب

بنا به فرموده پیامبر ﷺ:

«من وجد تمرّاً فليفطر عليه، ومن لم يجد تمرّاً فليفطر على الماء فإنه طهور^۱. ثم يقوم فيصلي الصلاة لوقتها..».

«هر کس خرمايي را يافت، با خرما افطار کند وگرنه با آب افطار کند، زیرا پاک است، سپس برخيزد و نماز را در وقتش بخواند..».

همچنين پیامبر ﷺ می فرمود: «ذهب الظمّ، وابتلت العروق، وثبت الأجر إن شاء الله»^۲.

«تشنگی برطرف شد و رگها (به سبب رفع عطش) بهبود يافتند و خستگی بر طرف شد و به خواست خدا ثواب و پاداش حاصل شد».

* * *

اموری که انجام آن برای روزه دار اشکالی ندارد

در این جا اموری هست که انجام دادن آن برای روزه دار اشکالی ندارد از جمله:

بوسیدن و معاشرت و همبستر شدن بدون جماع:

أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرموده است:

«كان النبي ﷺ يقبل ويُبَاشِر وهو صائم، وكان أملككم لإربه» [متفق عليه].

۱- صحیح الجامع: ۶۵۸۳.

۲- رواه أبو داود، صحیح الجامع: ۴۶۷۸.

«پیامبر می‌بوسید و معاشرت می‌کرد، در حالی که روزه بود، و پیامبر از همه شما بیشتر بر شهوت و حاجتش کنترل و تسلط داشت.»

حکیم بن عقال گفته است: سَأَلْتُ عَائِشَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ: مَا يَحْرُمُ عَلَيَّ مِنْ أَمْرَائِي وَأَنَا صَائِمٌ؟ قَالَتْ: «فَرَجُّهَا»^۱.

«از عائشه پرسیدم: در حال روزه چه چیز از زخم بر من حرام است؟ جواب داد: شرمگاهش.»

و از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: هَشِشْتُ فَقَبَلْتُ وَأَنَا صَائِمٌ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَنَعْتُ الْيَوْمَ أَمْرًا عَظِيمًا؛ فَقَبَلْتُ وَأَنَا صَائِمٌ، قَالَ: «أَرَأَيْتَ لَوْ مَضَمْتِ مِنَ الْمَاءِ وَأَنْتِ صَائِمَةٌ؟» قُلْتُ: لَا بَأْسَ بِهِ، قَالَ: «فَمَهْ؟»^۲.

«خوش حال شدم و بوسه زدم در حالی که روزه بودم، پس گفتم: یا رسول الله، امروز خطای بزرگی مرتکب شدم؛ بوسه زدم در حالی که روزه بودم، پیامبر ص فرمود: چطور می‌بینی اگر با آب مضمضه کنی در حالی که روزه هستی؟ گفتم: این کار اشکالی ندارد، فرمود: پس دیگر چه؟»^۲.

اما من باب سد ذرائع^۳ به جوانان و کسانی که تازه ازدواج کرده‌اند بوسه زدن و مباشرت با همسر به هنگام روزه‌داری توصیه نمی‌شود، بخاطر حدیثی که ابوهریره روایت می‌کند که:

۱- قال ابن حجر فی الفح 4 / 177: إسناده إلى حکیم صحیح.

۲- صحیح سنن أبي داود: ۲۰۸۹.

۳- ذرائع جمع ذریعه، به معنی وسیله است. ذرائع در اصطلاح فقهاء به اموری اطلاق می‌شود که منتهی به حرام یا حلال گردد. بدین معنی: کاری که منتهی به حرام شود حرام است، و کاری که منتهی به حلال شود حلال است، و آنچه واجبی از واجبات بدون انجام آن امکان‌پذیر نباشد واجب است. پس مقصود از سد ذرائع، جلوگیری از چیزهایی است که به حرام منتهی گردد ...

«أن رجلاً سأل النبي ج عن المباشرة للصائم، فرخص له، وأتاه آخر فنهاه؛ فإذا الذي رخص له شيخ، والذي نهاه شاب»^۱.

«شخصی از پیامبر ﷺ در مورد مباشرت روزه دار با همسرش، سؤال کرد، پیامبر ﷺ به او رخصت این کار را دادند، شخص دیگری به نزد پیامبر ﷺ آمد و پیامبر او را از این کار نهی کردند، زیرا کسی که به او رخصت داد یک پیرمرد بود، و کسی او را از این کار نهی کرد یک جوان بود».

استعمال سواک و مسواک بدون استعمال و زیاده‌روی:

امام بخاری رحمته روایت کرده است: «پیامبر ﷺ در حال روزه سواک استعمال کرده‌اند و ابن عمر رضی الله عنهما فرموده است: در اول و آخر روز سواک استعمال می‌شود، ولی آب آن بلعیده نمی‌شود». و عطاء گفته: «اگر آب دهانش را بلعد، نمی‌گویم باید افطار کند». و ابن سیرین گفته: «استعمال سواک تر و تازه اشکالی ندارد. گفته شد: سواک تازه دارای طعم و مزه است؟ گفت: آب هم مزه دارد در حالی که با آن ضمضمه می‌کنی».

حجامت و خارج نمودن خون فاسد و همین‌طور اهداء خون و شستن کلیه برای بیماران دیالیزی:

امام بخاری رحمته روایت کرده: ابن عباس رضی الله عنهما فرموده است: «إحتجم النبي ﷺ وهو صائم».

«پیامبر ﷺ در حالت روزه، حجامت نموده است».

ابن عباس و عکرمه رضی الله عنهما گفته‌اند: «روزه از چیزی که وارد بدن می‌شود باطل می‌شود نه از چیزی که خارج گردد».

۱- صحیح سنن أبی داود: ۲۰۹۰.

و این فرموده پیامبر ﷺ که: «أفطر الحاجم والمحجوم». یعنی «حجامت‌کننده و حجامت‌شونده هر دو روزه می‌کشایند»، به دلیل فعل پیامبر ﷺ منسوخ می‌باشد، همان‌گونه که در حدیث امام بخاری رحمته در بالا ثابت شده است، و نیز به دلیل فرموده‌اش که در حدیثی از سعیدالخدیری روایت است که می‌گوید:

«رخص رسول الله ﷺ في القبلة للصائم، والحجامة».

«رسول الله ﷺ در مورد بوسیدن و حجامت، به روزه‌دار رخصت داده است». و رخصت بعد از عزیمت و حضر می‌باشد.

استنشاق و مضمضه (آب به بینی و دهان زدن) بدون مبالغه:

بنا به فرموده پیامبر ﷺ:

«بالغ في الاستنشاق إلا أن تكون صائماً».

«در استنشاق مبالغه کن مگر این که روزه باشی».

از این حدیث چنین فهمیده می‌شود که استنشاق برای روزه‌دار نیز جایز است، اما بدون مبالغه.

امام بخاری رحمته آورده است که: «حسن بصری گفته: برای روزه‌دار مضمضه و خود را با آب خنک کردن مانعی ندارد» [ترمذی ۷۱۸].

در بالا حدیث عمر رضی که جایز بودن مضمضه برای روزه‌دار را می‌رساند، ذکر شد.

شستن سر، حمام کردن و شنا:

امام بخاری رحمته نقل کرده است که أم المؤمنین عایشه رضی فرموده است:

«كان النبي ﷺ يُدرکه الفجر جنباً في رمضان من غير حُلْم فيغتسل ويصوم».

«پیامبر ﷺ در رمضان صبح می‌کرد در حالی که به سبب هم‌بستری، جنب بود، سپس غسل می‌نمود و روزه می‌گرفت».

ابن عمر رضی الله عنهما در حال روزه لباسی را خیس کرده و بر خود می‌انداخت. شعبی در حال روزه به حمام رفته است. انس رضی الله عنه گفته است: «من حوضی سنگی داشتم که در حال روزه خود را به داخل آن می‌انداختم».

اگر پرسیده شود: اگر اشتبهاً آب وارد حلق شد؟

در جواب گفته می‌گویم: اشکالی ندارد، چون خداوند جل جلاله فرموده است:

﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ، وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵].

«و در آن چه اشتبهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست، ولی در آنچه دل‌های‌تان عمد داشته است (مسئولید) و خدا همواره آمرزندهٔ مهربان است».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «رفع عن أمتي الخطاء».

«خداوند از خطای امتم در گذشته است».

امام بخاری رحمته الله از عطا نقل کرده است که: «اگر آب به بینی زده و آب در حلقش فرو رفت مانعی ندارد و روزه‌اش باطل نمی‌شود، به شرطی که توانایی دفع آب را نداشته باشد».

چشیدن غذا بدون بلعیدن:

امام بخاری رحمته الله از ابن عباس رضی الله عنهما نقل کرده است که: «چشیدن غذا مانعی ندارد». و گفته: «چشیدن سرکه یا غیره در حال روزه مانعی ندارد، اگر داخل حلق نشود».

سرمه کشیدن و عطر زدن و همین طور قطره‌ی چشم:

امام بخاری رحمته الله فرموده است: «انس و حسن و ابراهیم، در استفاده از سرمه برای روزه‌دار، مانعی نمی‌دیدند». و از ابن مسعودس چنین روایت کرده است که: «هر روز که یکی از شما روزه بود، روغن زده و شانه کرده صبح کند».

ابن حجر: گفته است: «سلف برای روزه‌دار، آراستن با شانه کردن و روغن زدن و سرمه کشیدن و غیره را مستحب می‌دانستند» [فتح الباری: ۱۸۳/۴].

سوزن و سرنگ غیر غذایی:

تمامی این‌ها تا زمانی که به معده نرسد و دارای ارزش غذایی نباشد اشکالی ندارد و اصل در این امور نو پیدا، مباح بودن است مگر دلیلی بر تحریم آن باشد. والله أعلم.

* * *

موارد رخصت برای روزه نگرفتن

روزه نگرفتن در ماه رمضان برای مریض و مسافر جایز است، بنا به فرموده خداوند عز و جل:

﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ۗ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

«هرکس از شما این ماه را درک کرد باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است (باید به شماره آن) تعدادی از روزهای دیگر (را روزه بدارد) خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

و در حدیث پیامبر ﷺ فرموده است:

«لیس من البر الصیام فی السفر».

«روزه گرفتن در سفر نشانه نیکی نیست».

و همچنین برای مجاهد در حال پیکار با دشمن، روزه نگرفتن جایز

است؛ بنا بر فرموده پیامبر ﷺ:

«إنکم ملاقو عدوکم والفطر أقوى لکم فأفطروا».

«شما فردا با دشمن رو به رو می‌شوید و روزه نداشتن برای قوی بودن

شما بهتر است».

اگر گفته شود بیماری و سفری که افطار را جایز می‌کند، باید دارای چه

شرایطی باشد؟ و آیا افطار رخصت است یا واجب؟

در جواب می‌گوییم: هر بیماری که مشقت و سختی را برای بیمار به همراه

بیاورد، روزه نگرفتن، رخصت و جایز است و هر بیماری که روزه، آن را

شدیدتر می‌کند، روزه نگرفتن در این حالت واجب است، چون در اسلام نه

ضرر هست و نه دفع ضرر با ضرر. (لا ضرر و لا ضرار).

همین‌طور سفر - سفری که در عرف به آن سفر گفته می‌شود، بدون در

نظر گرفتن مسافت آن، روزه گرفتن در آن رخصت است - اگر خواست روزه

بگیرد و اگر خواست روزه نگیرد، اما اگر سفر آنقدر سخت و دشوار باشد که

منجر به تلف شدن و درماندن مسافر روزه‌دار می‌شود، در این حال روزه

نگرفتن واجب است.

چنان‌که در حدیث از جابر رضی الله عنه آمده است که پیامبر ﷺ از کنار فردی

گذشت که در سایه درختی، بر او آب می‌پاشند، فرمود: «دوست‌تان چرا

این‌گونه شده است؟» گفتند: ای رسول خدا روزه است. فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ أَنْ تَصُومُوا فِي السَّفَرِ، وَعَلَيْكُمْ بِرُخْصَةِ اللَّهِ الَّتِي رَخَّصَ لَكُمْ فَاقْبَلُوهَا»^۱.

«روزه گرفتن شما در سفر نشانه نیکی نیست، رخصتی را که خداوند ﷻ در حق شما نموده، قبول کنید».

و همچنین فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تُؤْتِيَ رُخْصَةَ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتِيَ مَعْصِيَتَهُ»^۲.

«همانا خداوند تبارک و تعالی دوست دارد به رخصت‌هایش عمل شود، همان‌گونه که دوست ندارد از وی نافرمانی شود».

جهاد نیز همین طور است، هر اندازه که افطار روزه‌دار، باعث شود برای رویارویی با دشمن قوی‌تر باشد، به همان اندازه افطار به وجوب نزدیک‌تر است، چنان‌که در حدیث، ابوسعید خدری رضی الله عنه فرموده است:

«با پیامبر ﷺ در حالی که روزه بودیم به سوی مکه مسافرت کردیم، در جایی اتراق کردیم، پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّكُمْ قَدْ دَنَوْتُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ، وَالْفِطْرُ أَقْوَى لَكُمْ».

«همانا به دشمن نزدیک شده‌اید، افطار باشید، قوی‌تر هستید».

این فرمان پیامبر ﷺ رخصت بود، برخی روزه بودند و برخی روزه را باز نمودند، به منزلی دیگر رسیدیم، پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّكُمْ مَصْبِحُوا عَدُوِّكُمْ وَالْفِطْرُ أَقْوَى لَكُمْ فَأَفْطِرُوا».

«شما در جنگ با دشمن هستید و روزه نگرفتن قوی‌تر است، پس روزه‌هایتان را باز کنید».

۱- رواه النسائي، صحيح الترغيب: ۱۰۵۴.

۲- صحيح الجامع: ۱۸۸۵.

این فرمان پیامبر ﷺ عزیمت بود، از آن به بعد هم در سفر همراه با پیامبر ﷺ روزه می‌گرفتیم» [به روایت مسلم].

حمزه ابن عمرو اسلمی، مردی بود که زیاد روزه می‌گرفت از پیامبر ﷺ پرسید: «آیا در سفر روزه بگیرم؟» فرمود: «إِنْ شِئْتَ فَصُمْ، وَإِنْ شِئْتَ فَأَفْطِرْ». «اگر خواستی روزه بگیر و اگر خواستی نگیر».

پس روزه گرفتن بستگی به مشقت و نوع مشقت و اثر و عواقب آن دارد، و بر این اساس، رخصت یا عزیمت بودن افطار تعیین می‌شود.

و همچنین برای زن در حال حیض:

بر وی واجب است که روزه نگیرد و بعد از رمضان قضای آن را به جای آورد، چنان‌که در حدیث، أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرموده است: «كَانَ يُصِيبُنَا ذَلِكَ - أَي الدَّوْرَةَ الشَّهْرِيَّةَ - فَتَوَمَّرُ بِقِضَاءِ الصَّوْمِ، وَلَا نَوْمَرُ بِقِضَاءِ الصَّلَاةِ».

«ما به عادت ماهانه مبتلا می‌شدیم، ما مأمور به قضای روزه بودیم ولی به قضای نماز امر نشده‌ایم».

و همین‌طور زن حامله و شیرده: این دو گروه نباید روزه بگیرند و در مقابل باید در ازای هر روز یک نفر مسکین را خوراک دهند، و قضا به جا نمی‌آورند بنا بر فرموده پیامبر ﷺ:

«إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنِ الْمَسَافِرِ الصَّوْمَ، وَشَطْرَ الصَّلَاةِ، وَعَنِ الْحَامِلِ وَالْمَرْضِعِ الصَّوْمَ»^۱.

«خداوند روزه و نیمی از نماز را از گردن مسافر انداخته و روزه را از گردن زن حامل و شیرده» [ترمذی روایت نموده و آن را حسن دانسته است].

ابن عمر و ابن عباس رضی الله عنهما و دیگران بر همین رأی هستند، ابن عباس رضی الله عنه گفته: «هنگامی که در رمضان زن حامله از خود و زن شیرده از بچه‌اش ترسید، روزه نمی‌گیرند و در ازای هر روز به یک مسکین خوراک می‌دهند و قضای روزه را به جایی نمی‌آورند». از ابن عمر رضی الله عنهما نیز قولی مشابه قول ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است.

بنده می‌گویم: این زمانی است که مادر، فرزندش را یک سال کامل، یا دو سال تمام شیر بدهد؛ همان‌طور خداوند جل جلاله می‌فرماید:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِيَ الرِّضَاعَةَ﴾ [البقرة: ۲۳۳].

«مادران، دو سال تمام، فرزندان خود را شیر می‌دهند، هرگاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شوند».

بنا بر این روزهای زن حامله کلاً بین حاملگی و شیردهی است، لذا سال تمام می‌شود و او هنوز در حالت شیردادن به کودک است. لذا این زن اجازه دارد که به ازای هر روزی که روزه می‌گشاید، فقیری را طعام بدهد؛ زیرا نه توانایی و نه وقت قضا را دارد. اما اگر کودک خود را به مدت چند ماه شیر می‌داده که این عادت غالب زنان امروزی است و بعد از آن شیردادن را قطع کند، تا یک یا دو سال را به کمک شیر گاو تکمیل کند.. او چنانچه در رمضان بخاطر شیردادن، روزه گشود، بر او قضا واجب است، و طعام دادن برای او جایز نیست؛ زیرا او وقت و توانایی قضا را در حالتی غیر از حاملگی و شیردهی دارا می‌باشد. والله تعالی أعلم.

و همچنین مرد سالخورده و زن سالخورده:

اگر توانایی روزه نداشته باشند، روزه نمی‌گیرند و فقط به جای هر روز، به یک فقیر خوراک می‌دهند، و این رأی ابن عباس رضی الله عنهما و علمای دیگر می‌باشد. امام بخاری رحمته الله روایت کرده: «عطاء از ابن عباس رضی الله عنهما شنیده که ایشان این آیه را تلاوت می‌کرد ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ﴾ [البقرة: ۱۸۴].»

«و بر کسانی که (روزه) بر آنها طاقت فرساست کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است.»
و ابن عباس گفت: «این آیه منسوخ نیست بلکه در حق زن و مرد سالخورده است که توانایی روزه گرفتن را ندارند و به ازای هر روز به یک مسکین خوراک می‌دهند.»

* * *

قضای روزه‌ی ماه رمضان

قضای روزه‌های از دست رفته‌ی ماه رمضان واجب است، و لازم نیست فوراً بعد از ماه رمضان اداء شود و به صورت جدا یا پشت سر هم نیز اشکالی ندارد، چنان‌که ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها در حدیث متفق علیه فرموده است: «روزه‌ی ماه رمضان بر من مانده بود و تنها در شعبان می‌توانستم قضای آن را اداء کنم.»

از امام احمد رحمته الله درباره‌ی قضای ماه رمضان پرسیده شد، جواب داد: «اگر خواست با فاصله از هم روزه بگیرد و اگر خواست پشت سرهم.»

اگر کسی که بر او روزه باشد، وفات کند، سرپرستش می‌تواند به جای او روزه بگیرد، بنا بر فرمودهٔ پیامبر ﷺ: «من مات وعليه صيامٌ صام عنه وليُّه». «هرکس بمیرد و بر گردن او روزه‌ای باشد سرپرستش می‌تواند به جای او روزه بگیرد» [متفق علیه].

اما اگر از کسانی باشد که معذور هستند، و باید در ازای هر روز به یک مسکین غذا بدهند، بر سرپرست او واجب است که به جای او خوراک بدهد و روزه بر او واجب نیست.

* * *

مواردی که روزه‌دار باید از آن دوری کند

روزه‌دار برای این که از روزه فایده و بهرهٔ کامل ببرد، واجب است علاوه بر ترک خوردن و آشامیدن، از ناسزاگویی و انجام اعمال ناپسند و گناه دوری کند، این گناهان اگرچه ترک آن در همهٔ اوقات واجب است، در ماه رمضان برای بهره‌گیری کامل از روزه، بر ترک و دوری از آن تاکید شده است. پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

«من لم يدع الخنا والكذب؛ فلا حاجة لله أن يدع طعامه وشرابه»^۱.
«هرکس ناسزاگویی و دروغ را رها نسازد، خداوند نیازی به ترک خوراک و شراب او ندارد».

و فرموده‌اند: «ليس الصيامُ من الأكل والشراب، إنما الصيام من اللغو والرفث، فإن سابك أحدٌ أو جهل عليك فقل: إني صائم، إني صائم»^۲.

۱- قال ابن حجر في الفتح 4/140:

۲- صحيح الجامع: ۵۳۷۶.

«روزه، نخوردن و نوشیدن نیست، بلکه روزه، دوری از چیزهای پوچ و باطل و ناسزاگویی و دشنام دادن است. اگر کسی تو را دشنام داد، یا کار جاهلانهای انجام داد، بگو من روزه هستم، من روزه دارم».

و فرموده‌اند: «لَا تَسَابَّ وَأَنْتَ صَائِمٌ، فَإِنْ سَابَّكَ أَحَدٌ فَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ، وَإِنْ كُنْتَ قَائِمًا فَاجْلِسْ»^۱.

«در حالی که روزه هستی دشنام مده، اگر کسی تو را دشنام داد، بگو من روزه هستم و اگر ایستاده بودی بنشین».

و فرموده‌اند: «... وَرُبَّ صَائِمٍ حَظَّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ»^۲.
«چه روزه دارانی که تنها بهره و نصیب آنان از روزه، گرسنگی و تشنگی است».

و فرموده‌اند: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ -أَيُّ مِنَ النَّارِ- مَا لَمْ يَخْرُقْهَا»^۳.
«روزه سپر و جان‌پناه از آتش است تا زمانی که غیبت و سخن‌چینی و اخلاق بد آن را پاره نکرده است».

پس روزه کامل مورد نظر و ستایش شرع، علاوه بر اجتناب از خوردن و آشامیدن، دوری اعضای ظاهری و باطنی از معایب و اعمال غیر شرعی است. روزه‌دار اگر مشتاق است که از آزادشدگان این ماه باشد، باید به این نکته عنایت کامل بورزد.

* * *

۱- صحیح الترغیب: ۱۰۸۲.

۲- صحیح الجامع: ۳۴۹۰.

۳- صحیح سنن النسائی: ۲۱۰۹.

روزه‌دار، روزش را چگونه سپری می‌کند؟

تنها دوری از گناهان برای روزه‌دار کافی نیست، بلکه باید هرچه بیشتر به انجام طاعات و عبادات و تلاوت قرآن و صدقه دادن و اطعام مساکین روی آورد، چنان‌که در حدیث متفق علیه از ابن عباس رضی الله عنهما نقل شده است که:

«كان النبي ﷺ أجودَ الناس بالخير، وكان أجودَ ما يكون في رمضان حين يلقاه جبريل، وكان جبريل عليه السلام يلقاه كل ليلة في رمضان حتى ينسلخ، يعرضُ عليه النبي ﷺ القرآن، فإذا لقيه جبريل عليه السلام كان أجودَ بالخير من الريح المرسلة».

«پیامبر ﷺ با سخاوتمندترین مردم بود و در رمضان، هنگامی‌که جبرئیل عليه السلام او را ملاقات می‌کرد، با سخاوت‌تر از همیشه بود، و جبرئیل عليه السلام تا پایان رمضان، هر شب پیامبر ﷺ را ملاقات می‌نمود، پیامبر ﷺ قرآن را بر جبرئیل می‌خواند، هنگامی‌که جبرئیل پیامبر ﷺ را ملاقات می‌کرد، ایشان از باد نیز برای انجام کار خیر سریع‌تر بودند».

أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها فرموده است: «كان النبي ﷺ إذا دخل العشرُ شدَّ مئزره، وأحيا ليله، وأيقظ أهله».

«پیامبر ﷺ با فرا رسیدن دهه آخر رمضان، از زنان دوری کرده، و در عبادت جدیت و توجه بیشتری به خرج می‌داد، شب زنده‌داری می‌کرد و خانواده‌اش را نیز بیدار می‌کرد» [متفق علیه].

و نیز فرموده است: «كان رسول الله ﷺ يجتهد في العشر الأواخر ما لا يجتهد في غيره».

«پیامبر ﷺ در دهه آخر رمضان از دیگر اوقات بیشتر در عبادت تلاش و کوشش می‌کرد».

و این بر خلاف چیزی است که بسیاری از مسلمانان بر آن هستند؛ چون آن‌ها را می‌بینید که در اول رمضان سرحال و سرزنده‌اند و در آخر رمضان بی‌حال و سست می‌شوند!

پیامبر ﷺ فرموده است: «من فطّر صائماً كان له مثل أجره ولا ينقص من أجر الصائم شيئاً»^۱.

«هرکس روزه‌داری را افطار دهد، برای وی نیز ثوابی مانند ثواب و پاداش روزه‌دار هست، حال آن‌که از اجر روزه‌دار هیچ چیز کم نمی‌شود».

امام مالک رحمته الله با فرا رسیدن ماه رمضان تدریس را متوقف می‌کرد و از فقه و فتوی و حدیث باز می‌ایستاد و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و می‌گفت: «این ماه، ماه قرآن است».

ای مسلمان روزه‌دار! با آگاهی و شناخت از این مسائل، بیاندیش که مسلمانان، ماه رمضان را چگونه سپری می‌کنند؟

آنان را می‌بینی که در این ماه، چیزهایی را که مانع ذکر و یاد خدا می‌شود، مانند سریال‌ها و لهو و لعب و مسابقه‌های تلویزیونی و ... را فراهم می‌کنند. انگار رمضان تنها برای این کارهای زشت و بدور از ادب مقرر شده است. ولا حول ولا قوة الا بالله!

و مثل این‌که این طاغوتیان حاکم می‌خواهند به این طریق کارایی رمضان و اثر ایمانی آن را بر نفس‌ها خنثی کنند. آن‌ها ایمانی را که در رمضان زیاد می‌شود و در نفس‌ها ارتقاء می‌یابد، با پخش برنامه‌ها و سریال‌های زشت و زننده بر صفحه تلویزیون‌ها که خانه از آن خالی نیست، ناقص و باطل می‌کنند، زیرا به صلاح طاغوتیان ظالم نیست که ملت‌ها بر

۱- صحیح سنن الترمذی: ۶۴۷.

ایمان‌شان افزوده شود و از قید شهوت‌ها و هوس‌ها آزاد شوند، و ذهن و افکار خود را از هواها و شهوت‌ها پاک گردانند، اگر چه به مدت یک ماه! آن‌ها می‌دانند که شیاطین جن در رمضان به زنجیر کشیده می‌شوند، لذا آن‌چنان که می‌بینید شیاطین و طواغیت انس تلاش مفسدانه خود را در رمضان دوچندان می‌کنند تا نقص و کمبودشان را به خاطر از دست دادن حمایت و کمک برادران شیاطین جن خود، جبران کنند!

* * *

نماز شب در ماه رمضان

مردم در تعداد رکعات این نماز اختلاف دارند، و قول صحیح که آن را موافق با سنت می‌دانیم، این است که این نماز از یازده رکعت بیشتر نیست، بنا بر حدیث متفق علیه که أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرموده است:

«ما كان النبي ﷺ يزيد في رمضان ولا في غيره على إحدى عشرة ركعة».

«پیامبر ﷺ چه در رمضان و چه در غیر آن بیشتر از یازده رکعت نمی‌خواندند».

جابر ابن عبدالله رضی الله عنه فرموده است: «پیامبر ﷺ در شبی از رمضان که همراه مردم شب زنده‌داری کردند، هشت رکعت نماز خواندند و سپس نماز وتر خواندند».

سائب بن یزید گفته است: «عمر بن خطابس به ابی بن کعب و تمیم داریک امر کرد که برای مردم یازده رکعت نماز بخوانند». و همچنین گفته است: «قاری سوره‌هایی که از صد آیه بیشتر بودند را می‌خواند، حتی بعضی از ما به خاطر طولانی بودن قیام، بر عصا تکیه می‌کردیم و از نماز منصرف

نمی‌شدیم، مگر در طلوع فجر (یعنی نماز تا نزدیک به طلوع فجر ادامه داشت)» [موطأً إمام مالک].

* * *

اعتکاف

اعتکاف بدین‌گونه است که فرد مسلمان، به نیت عبادت در مدت زمان مشخصی که در نیت دارد، در مسجد می‌ماند و خارج نمی‌شود مگر برای ضرورت یا نیاز شدید بنا بر فرموده خداوند ﷻ:

﴿وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَلَيْكُمْ فِي الْمَسْجِدِ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«ودر حالی که در مساجد معتکف هستید (با زنان) در نیامیزید».

أم‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرموده است: «پیامبر ﷺ سرش را داخل اتاق می‌کردند، در حالی که در مسجد معتکف بودند، و من نیز سر ایشان را شانه می‌نمودم، و پیامبر ﷺ در حال اعتکاف تنها برای ضرورت به خانه داخل می‌شدند» [متفق علیه].

و نیز فرموده است: «برای معتکف، سنت چنین است که به عبادت مریض نمی‌رود و در تشییع جنازه شرکت نمی‌کند و با زنش هم‌بستر نمی‌شود و به او نزدیک نمی‌شود و تنها برای ضرورت شدید خارج می‌شود، و اعتکاف نمی‌کند مگر این‌که روزه باشد و تنها در مسجد جامع (مسجدی که در آن جمعه و جماعت برگزار می‌شود) اعتکاف جایز است». [صحیح سنن أبوداود/۲۱۶۰]

اعتکاف در تمام روزها و ماه‌ها جایز است، زیرا پیامبر ﷺ در دهه آخر شوال نیز اعتکاف نموده‌اند، اما افضل اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان است،

زیرا پیامبر ﷺ در این وقت اعتکاف نموده و بر آن مواظبت داشته‌اند. چنان‌که در صحیحین است که أم‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرموده است: «كان النبي ﷺ يعتكف العشرَ الأخير من رمضان حتى قبضه الله، ثم أعتكف أزواجه من بعده».

«پیامبر ﷺ تا زمان وفات در دههٔ آخر رمضان اعتکاف می‌کردند، سپس بعد از ایشان همسرانش اعتکاف کرده‌اند».

این حدیث دلیل بر جایز بودن اعتکاف زنان در مسجد است.

اگر گفته شود در چه مساجدی اعتکاف جایز است؟

در جواب می‌گوییم: در این مسأله اختلاف شدیدی است و قول صحیح نزد من این است که اعتکاف در هر مسجدی که در آن جمعه و جماعت برگزار شود، جایز است. بنا بر حدیث أم‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها که ذکر شد. و این به خاطر آن است که معتکف، جماعت را از دست ندهد، و یا برای جمعه و جماعت، ناچار به خروج به سوی مسجد دیگری نشود که در این حالت اعتکاف وی نیز باطل می‌شود. برخی از علمای سلف نیز چنین نظری دارند. اگر گفته شود: از این فرمودهٔ پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «لا إعتکاف إلا فی المساجد الثلاثة» یعنی «اعتکاف تنها در سه مسجد جایز است»، چه می‌فهمیم؟

می‌گوییم: می‌توان حدیث را بر این حمل کرد که اعتکاف کامل و با فضیلت، در این سه مسجد است: مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی.

لذا می‌بینیم که ابن مسعود رضی الله عنه به حذیفه رضی الله عنه نسبت خطا می‌دهد، هنگامی که به این حدیث استدلال کرده و مسلمانان را از اعتکاف در مسجد بزرگ کوفه منع می‌کرد.

متن کامل حدیث چنین است: «حذیفه به عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گفت: چطور گروهی میان خانه تو و ابو موسی اعتکاف کرده‌اند و تو آنان را منع نمی‌کنی؟ و می‌دانی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لَا إِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسَاجِدِ الثَّلَاثَةِ»^۱.

«اعتکاف جایز نیست مگر در این سه مسجد».

عبدالله گفت: «لعلک نسیت وحفظوا، أو أخطأت وأصابوا».

«شاید تو فراموش کرده‌ای و آنان حفظ کرده‌اند، یا تو اشتباه می‌کنی و آنان درست می‌گویند» [السلسلة الصحيحة / ۲۷۸۶].

امام طحاوی رحمته الله در کتاب مشکل الآثار، بر این نظر است که انکار ابن مسعود بر حذیفه، و جواب دادنش به آن صورت، دلیل بر منسوخ بودن حدیث است که مردم آن را حفظ کرده‌اند و حذیفه فراموش کرده است و گفته: «در این حدیث اندیشه نمودیم و با توجه به: ۱- خبر دادن حذیفه به ابن مسعود مبنی بر اطلاع ابن مسعود از این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله. ۲- از عدم انکار سخن حذیفه از طرف ابن مسعود و جواب دادنش به حذیفه به صورت مزبور، پی بردیم که حدیث مزبور منسوخ است، و قول ابن مسعود رضی الله عنه یعنی: حدیث تو منسوخ است و مردم در این کار، قول صحیح را برگزیده‌اند و قرآن نیز بر همین امر دلالت دارد:

﴿وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«و در حالی که در مساجد معتکف هستید (با زنان) در نیامیزید».

من نیز می‌گویم: سکوت حذیفه در مقابل جواب ابن مسعود، و عدم جلوگیری حذیفه از مسلمانان معتکف در مسجد، نشانه این است که حذیفه

۱- أخرجه الإسماعيلي في المعجم، والبيهقي في السنن، السلسلة الصحيحة: 2786.

با ابن مسعود موافق شده که حدیث مذکور دلیل بر ممنوعیت اعتکاف در غیر این سه مسجد نیست، زیرا اگر ابن مسعود در پاسخ به حذیفه و در فهمش از حدیث دچار اشتباه شده بود، حتماً حذیفه بر او ایراد می‌گرفت و جوابش را تصحیح می‌کرد و خودش به مسجد می‌رفت و معتکفین در مسجد را منع می‌کرد.

عجیب این که شیخ ناصرالدین البانی به خطا دانستن استدلال حذیفه از جانب ابن مسعود در استناد به حدیث مذکور در ممنوعیت اعتکاف در غیر این سه مسجد اقرار کرده و بعد از آن به ابن مسعود نسبت خطا داده و فهمش که حذیفه در آن موافق ابن مسعود شده را رد می‌کند، و حدیث را منحصراً به حساب آورده که اعتکاف را در هر مسجدی مباح می‌کند. نص گفته‌ی وی در سلسله صحیحہ ۶/ ۶۶۷-۶۷۰ چنین است: «گفته‌ی ابن مسعود نص قاطعی در نسبت خطای وی به حذیفه در روایت لفظ حدیث نیست، بلکه شاید استدلالش به حدیث را در اعتکاف مورد انکارش خطا دانسته است، زیرا احتمال این می‌رود که معنی حدیث نزد ابن مسعود چنین بوده باشد: اعتکاف کامل نیست مگر...». تا این که گفته: «آیه عام است و حدیث خاص و مبانی فقه تقاضا می‌کند که عام بر خاص حمل شود. بنا بر این، حدیث منحصراً و مبین آیه است و گفته‌ی حذیفه و حدیث نیز بر همین دلالت دارند».

* * *

زکات فطر و احکام پیرامون آن

پرداخت زکات فطر واجب است، به شیوه خوراکی - نه به شیوه پول - و به خاطر پاک شدن روزه‌دار می‌باشد، و از مسلمان برده، و آزاد، و مرد، و زن،

و کوچک، و بزرگ، گرفته می‌شود، چنان‌که ابن عباس فرموده است: «پیامبر ﷺ زکات فطر را فرض نمود تا روزه‌دار از گناهان پاک شود و غذایی نصیب مساکین گردد. هرکس قبل از نماز عید پرداخت کند، زکات فطر محسوب می‌شود، و هر کس بعد از نماز پرداخت کند، صدقه به شمار می‌آید» [صحیح الترغیب ۱۰۸۵].

ابن عمر رضی الله عنهما فرموده است: «پیامبر ﷺ زکات فطر را بر مسلمانان برده، و آزاد، و مرد، و زن، و کوچک، و بزرگ، یک صاع خرما، یا یک صاع جو فرض نمود».

پیامبر ﷺ فرموده است: «أدوا صاعاً من بُرٍّ أو قمحٍ، أو صاعاً من تمرٍ، أو صاعاً من شعيرٍ، عن كل حرٍّ وعبدٍ، وصغيرٍ وكبيرٍ.. ذکر وأنثی» [مسلم].
«هر آزاد، و برده، بزرگ، و کوچک، مرد، و زنی، یک صاع گندم یا خرما یا جو پرداخت کند».

یک صاع، چهار مد است و هر مد، برابر با یک مشت انسانی معتدل است. چیزهایی که در زکات داده می‌شود، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت یا کشک است.

زمان پرداخت آن قبل از نماز عید است نه بعد از عید، چنان‌که ابن عمر رضی الله عنهما فرموده است: «أمرنا رسول الله ﷺ بزكاة الفطر أن تؤدى قبل خروج الناس إلى الصلاة».

«پیامبر ﷺ به ما دستور داد که زکات فطر، قبل از خروج مردم برای نماز عید پرداخت شود» [به روایت بخاری].

و از ابن عمر رضی الله عنهما ثابت است که زکات فطر را یک یا دو روز قبل از نماز عید فطر، پرداخت می‌کرد.

رأی من بر این است که: اگر به خاطر کفایت در مکان زکات دهنده، و وجود نیاز مبرم در مکان دیگر، قرار باشد که زکات فطر به جایی دیگر ارسال شود، این کار مانعی ندارد، اگر زود فرستاده شود، تا در زمان مناسب و تعیین شده (قبل از عید) به دست فقیران نیازمند آن مکان برسد، چرا که اگر در پرداخت آن تأخیر شود، ممکن است بعد از نماز عید به دست نیازمندان آن منطقه برسد، که در این حالت زکات فطر محسوب نمی‌شود و تنها صدقه به شمار می‌آید. زیرا حکمت در دادن صدقه فطر این است که غذایی، قبل از نماز فطر بدست فقرا برسد، تا خود و کودکان‌شان در ایام عید از آن استفاده کنند. صدقه فطر به این معنا نیست که فقط از دست صاحبش بیرون آید تا در دست بی‌نیاز دیگری قرار گیرد، و او این مال را در دست خود حبس کند و یا هر زمان که خواست برای فقرا خرج کند، والله تعالی أعلم.

* * *

روزه‌ی شش روز ماه شوال

هنگامی که رمضان تمام شد و ماه شوال از راه رسید، مستحب است که انسان شش روز از این ماه را روزه بگیرد، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ: «من صام رمضان ثم أتبعه ستاً من شوال كان كصيام الدهر». «هرکه رمضان را روزه بگیرد، سپس به دنبال آن شش روز دیگر از ماه شوال را نیز روزه بگیرد، مانند این است که برای همیشه روزه باشد» [رواه مسلم].

و می‌تواند روزه را بلافاصله بعد از عید فطر شروع کند؛ یعنی در روز دوم شوال، زیرا از روزه گرفتن در روز عید نهی شده است. والله تعالی أعلم.

* * *

بدین گونه به پایان این مبحث مختصر در مورد رمضان و احکام پیرامون آن رسیدیم. امید است که خداوند آن را قبول نماید، و به وسیله آن به روزه‌داران در هر جا که هستند نفع برساند، همانا خداوند سبحانه و تعالی شنونده و نزدیک و اجابت کننده است.

وصلی الله علی النبی الأمی محمد وعلی آله و صحبه وسلم

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

مكتبة
دار
القرآن
العلمية
بمكة المكرمة
الطبعة الأولى: ١٤٢٥ هـ
الطبعة الثانية: ١٤٢٦ هـ